پیام‌های حمله مسلحانه و قتل برادر مالک متروپل؛

غرم پس از غنم یا انتقام کور؟

عصر ایران: حمله مسلحانه و قتل مجید عبدالباقی برادر حسین عبدالباقی - مالک و سازنده متروپل آبادان - حاوی چند پیام مهم است:

اول این که شاید چون دست‌شان به خود عبدالباقی نرسیده یا احتمالاً مرگ او را باور نکرده‌اند -ولو تلویزیون از سردخانه و مراسم تدفین گزارش پخش کرده باشد- کسانی خواسته باشند مطمئن شوند که این خانواده هم داغ‌دار شده است. دستاورد این حمله اما چیست در حالی که چوبهٔ‌دار در انتظار قاتلین هم هست و اگر خود از مصیبت‌دیدگان متروپل باشند داغ دیگری بر خانواده می‌نشانند؟

دوم این که اگر برادر هم در پروژه‌های عبدالباقی اصلی شریک و منتفع بوده به روند رسیدگی قضایی درباره زدوبندهایی که اجازه داد با مجوز ۵ طبقه ساختمانی با اشکوب‌های بیشتر بسازند و دوام نیاورد و فرو ریخت اعتماد نداشته و خود دست به کار شده‌اند و این البته نه از منظر امنیتی نه اعتماد اجتماعی مطلقاً علامت خوبی نیست. سوم این که مجازات یک عضو خانواده به جای خود فرد، ریشه در فرهنگ سنتی و طایفه‌ای دارد و نشان می‌دهد مدرنیسم، همان مدرنیته نیست و نمی‌توان از یک سو بر طبل سنت کوفت و از جانب دیگر به نام مدرنیزاسیون میدان را به رانت‌خواران سپرد تا آدم بی ریشه‌ای مثل عبدالباقی با رشوه به آلاف و الوف برسد و جان مردم را به بازی بگیرد و دیگ خشم عمومی را به جوش بیاورد.

چهارم این که در عربی ضرب‌المثلی است با این مضمون که «من له الغنم فعیله الغرم». یعنی «غنم» و «غرم» با هم است و آن که از «غنیمت» ی برخوردار می‌شود باید آماده پرداخت غرامت هم باشد. یا این که نوش و نیش با هم است.

طبع بشر اما این است که هنگام غنیمت به یاد موعد غرامت نیست. شاید اگر روزنامه‌نگار مستقلی امکان تهیه گزارش داشت و گواهی می‌داد و مردم باور می کردند متهم هم مرده جان برادر را نمی‌ستاندند.

گزارش

چرا مردم به عکس مصاحبه وزیر ارتباطات با خبرنگار روس واکنش نشان دادند؟

وزیری که نماد تظاهر شد!

چندی پیش انتشار تصاویر مربوط به پشت صحنه مصاحبه عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات در محل سفارت ایران در مسکو واکنش‌برانگیز شد و تفاوت پوشش مجری (فرد مصاحبه‌کننده) و نفر دوم حاضر در پشت صحنه مصاحبه، به عنوان نمادی از تظاهر و ریاکاری مطرح شد؛ آنچنانکه به زعم منتقدان، برای وزیر ارتباطات فقط آنچه مقابل دوربین می گذرد مهم است و آنچه در واقعیت وجود دارد، اهمیت ندارد. به بیان دیگر اگر حضور زن بی‌حجاب بد است، پس چرا در آن جمع است؟ اگر خوب است، چرا واقعیت نشان داده نمی‌شود؟ چرا قرار است همه به نوعی تظاهر کنند؟

این عکس البته تحلیل‌های فرامتنی هم داشت و ماجرا به حضور گشت ارشاد در ایران هم پیوند خورد؛ برخی اینگونه تحلیل کردند که کارکرد گشت ارشاد هم به نوعی ترویج نمونه همین تظاهر است؛ این یعنی مسئله سیاستگذار تأثیر یک تصمیم نیست بلکه قرار است به هر نحو، حتی به قیمت دورویی افراد، ایده خود را پیدا کند.

در نمونه مشابه، تصویر ماریا زاخاروا سخنگوی وزارت خارجه روسیه در محل وزارت امور خارجه ایران منتشر شد که البته با قوانین اجباری پوشش زنان در ایران همخوانی نداشت، با این حال نسبت به این مسئله نیز سکوت شد. در حقیقت آنجا هم این سؤال مطرح شد که اگر «قانون» است، چرا دیگران ملزم به رعایت آن نیستند؟ به بیان دیگر اگر مسئله حیثیتی است و به زعم وحید یامین‌پور «اگر امروز روسری را در آوردند، فردا شورت هم در می‌آورند»، چرا بیگانگان به صورت گزینشی آن را می‌پذیرند اما برای خود مردم ایران بازداشت و حبس در پی دارد؟ موضوع برخوردهای حاکمیت با مظاهر بدحجابی مختص به دولت رئیسی نیست و تقریباً با درجه شدت متفاوت در تمام دولت‌ها وجود داشته است؛ همانگونه که پیش‌بینی می‌شد در دولت رئیسی این موضوع با شدت بیشتری پیگیری شد. البته این در حالی است که ابراهیم رئیسی پیش از انتخابات وعده داده بود به جای گشت ارشاد در خیابان‌ها، گشت ارشاد مدیران را فعال خواهد کرد! با این حال او «مصوبه حجاب و عفاف» را که طی ۱۷ سال گذشته معطل مانده بود بدون تغییر برای اجرا ابلاغ کرد؛ مصوبه‌ای که حتی تا پوشش لباس کارمندان ادارات و منع حضور زنان در هرگونه تبلیغات را در برمی گیرد.

به گزارش رویداد ۲۴ شاید این تصاویر در شرایط عادیِ مورد انتقاد قرار نمی گرفت و اتفاقی کاملاً طبیعی بود، اما به دلیل وجود تبعیض، واکنش‌ها زیاد بود؛ یکی از کاربران فضای مجازی می‌نویسد: «ارزشی‌ها جواب بدهند آیا این پشت صحنه، وزیر ارتباطات را تهییج و تحریک می کند؟»

یکی دیگر از کاربران فضای مجازی هم نوشت: «اگر یکی از وزرای دولت روحانی اینگونه در برابر زن بی‌حجاب نشسته بود تا حالا حکم تکفیر صادر کرده بودید، اما، چون وزیر دولت اصولگرایان است اشکالی ندارد.» دیگری هم نوشت: «برای مردم محدودیت ایجاد می کنید و آنوقت خودتان! پشت صحنه‌هایتان دیدنی است.» به گزارش رویداد ۲۴ نکته آنکه خبرگزاری‌های اصولگرا که به شدت بر ضرورت حجاب اجباری در ایران تاکید داشته و حتی سخنان هتاکانه یامین‌پور نسبت به زنان را باز نشر می‌دهند نیز در برابر این نوع رفتار سکوت اختیار کرده‌اند کما اینکه پیشتر نیز درباره نحوه پوشش ماریا زاخاروا در محل وزارت امور خارجه احساسات دینی‌شان جریحه‌دار نشد و فریاد واسفا سر ندادند، گویا این افراد هنجارشکنی را تنها در نوع پوشش زنان ایرانی تفسیر می کنند. همچنین ائمه جماعاتی مانند احمد خاتمی که حجاب را به مثابه یکی از قوانین کشور لازم‌الاتباع برای همگان می‌دانند نیز در برابر این قانون‌شکنی (بر اساس گفته‌های خودشان) سکوت کرده‌اند.

از طرف دیگر تا کنون هیچیک از ارکان دولت و حاکمیت واکنشی نسبت به تصاویر پشت صحنه مصاحبه خبرگزاری روس با زارع‌پور نشان نداده‌اند و بابت آن از مردمی که همیشه در سخت‌گیری‌ها نسبت به حجاب آن‌ها را بهانه این رفتارها قرار می‌دهند عذرخواهی نکرده‌اند. سکوتی که می‌تواند حاوی این پیام از طرف دولت رئیسی باشد که «ما هرآنچه می‌خواهیم می کنیم و پاسخگو هم نیستیم.»

چه کسی درختان خیابان ولیعصر را کشت؟

ساخت و ساز، بی تدبیری، بی برنامگی؛ همه موارد

مریم یادگاری / گروه جامعه
M.Yadegari@gmail.com

عکس: مهر

خیابان ولی‌عصر تهران بلندترین خیابان ایران و خاورمیانه با طول بیش از ۱۷ کیلومتر است که از میدان راه‌آهن در جنوب تهران آغاز شده و به میدان تجریش در منطقه شمیران در شمال شهر می‌رسد. این خیابان در سال ۱۳۱۸ خورشیدی ایجاد شد و پیش از انقلاب اسلامی، خیابان پهلوی نام داشت. اما شهرت این خیابان فقط به بلندای آن نیست و «ولی عصر» را جهانیان به ۶۰ هزار درخت چنار و متصل کننده شمال و جنوب تهران می‌شناسند.

از این رو بود که خیابان ولی عصر (عج) به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خویش از جمله درختان معروف چنار، مراکز خرید بزرگ، پارک‌های عمومی، رستوران‌ها، موزه‌ها، مراکز فرهنگی و دفاتر ملی و بین‌المللی در سال ۱۳۹۰ در فهرست آثار ملی ایران جای گرفت. در چندسال گذشته تلاش‌های بسیاری از سوی شهرداری تهران برای شناخت بیشتر این خیابان به دنیا و ثبت جهانی آن انجام شد و با کاشت چند هزار اصله سعی شد که تعداد چنارهای این خیابان طویل تکمیل شود. این موارد در حالی بود که چندی پیش در پی انتشار فیلمی درباره خشک شدن هم‌زمان تعدادی اصله درخت در خیابان ولیعصر (عج) محدوده خیابان محمودیه اظهارنظرها آغاز شد.

دادستان تهران مأمور رسیدگی به موضوع خشک شدن درختان خیابان ولیعصر

رئیس کل دادگستری استان تهران در پی انتشار فیلمی در فضای مجازی مبنی بر خشک شدن هم‌زمان تعدادی اصله درخت در خیابان ولیعصر (عج) به دادستان تهران مأموریت داد تا با تشکیل کارگروهی تخصصی، علل وقوع این حادثه را احصاء و در صورت احراز وقوع تخلف و یا جرم اقدامات لازم در چارچوب قوانین و مقررات انجام شود.

علی القاصی رئیس کل دادگستری استان تهران خطاب به دادستان تهران تاکید کرد: محیط زیست شهری از مصادیق حقوق عامه محسوب می‌شود و از آن‌جا حفظ حقوق عامه یکی از ماموریت‌های دستگاه قضایی است، در صورت احراز تعدی به حقوق عمومی جامعه با جدیت برخورد خواهد شد.

مصالح ساختمانی عامل خشک شدن درختان خیابان ولیعصر

رئیس کمیسیون محیط زیست شهرداری تهران گفت: بر اساس گزارش‌ها مصالحی که پای درختان ریخته شده بودند منجر به خشکیده شدن ۱۰ اصله درخت خیابان ولیعصر شده است.

مهدی پیرهادی در گفتگو با خبرنگار مهر، در خصوص ماجرای خشکاندن درختان در خیابان ولیعصر (ع) در محدوده منطقه یک شهرداری تهران گفت: متأسفانه گزارشی مبنی بر قطع حدود ۱۲ درخت در خیابان ولیعصر (عج) و در محدوده خیابان محمودیه به ما ارائه شد و در اسرع وقت به دوستان اعلام کردیم که موضوع را پیگیری کنند. رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران خاطرنشان کرد: شواهد دال بر این است که متأسفانه این درختان خشک شده‌اند و موضوع توسط سازمان بوستان‌ها در حال پیگیری است تا مشخص شود که علل وقوع این موضوع چه بوده است.

وی با بیان اینکه خیابان ولیعصر (عج) یکی از قدیمی‌ترین و طولانی‌ترین خیابان‌های سطح شهر تهران است، تصریح کرد: این خیابان هم از لحاظ جاذبه‌های گردشگری و هم از لحاظ بصری و فضای مطبوع و کیفیت هوای سطح شهر تهران دارند، مؤثر است.

پیرهادی عنوان کرد: این موضوع باید در ماده هفت مورد پیگیری قرار گیرد و قبل از اینکه پایان کار به این ساختمان داده شود باید به جد پیگیری شود و بالاترین سطح جرائم نیز باید برای قطع این درختان اعمال شود؛ اما این مساله که این درختان به چه شکلی خشک شده، باید توسط قوه قضائیه پیگیری شود؛ چرا که درختان کهن سالی که در این خیابان بوده، برای مردم جنبه عمومی دارد و از مصادیق حقوق عامه است.

رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران خاطرنشان کرد: نمی‌توان از کنار حقوق عامه مردم به راحتی گذر کرد و باید به‌طور جد مورد پیگیری قرار گیرد و امروز نیز این تذکر را به شهرداری دادم که این مساله به‌طور ویژه پیگیری شود.

وی بیان کرد: در این خصوص توسط مجموعه حقوقی شهرداری تهران شکایتی تنظیم شده و پیگیر این موضوع است و از طریق مراجع قضائی اقدام خواهد شد و نتیجه آن به سمع و نظر مردم خواهد رسید.

پیرهادی با بیان اینکه در خصوص شهرداری منطقه یک تذکرات کتبی را به مالک داده بود، گفت: ساختمان‌ساز به‌مرور درختان را خشک کرده است یعنی طی دو سال سه گذشته اینها خشک شدند و مالک توجه نداشته است و بر اساس گزارش‌ها مصالحی که پای درخت ریخته شده بودند منجر به خشکیده شدن درختان شده‌اند.

پیش از این؛ شهرداری منطقه یک نیز در همین خصوص اعلام کرد: این اقدام توسط مالک ملک نوساز در خیابان ولیعصر (عج) تقاطع محمودیه پلاک ۲۷۲۸ انجام شده و ۱۰ اصله درخت چنار در این محدوده در سال‌های گذشته در حین عملیات ساختمانی خشک شده که در همین خصوص ضمن بررسی کارشناسی توسط کارشناس رسمی دادگستری و پیگیری اداره حقوقی منطقه، موضوع در کمیسیون ماده ۷ منطقه نیز مطرح شده و در حال صدور رأی جریمه با بالاترین ضریب است.

تخریب هزاران سد در اروپا و آمریکا، آیا ایران نیز سدها را تخریب و رودها را احیا می کند؟

جهان نیازمند نهضت تخریب سدها

قرن‌هاست که انسان‌ها تلاش می کنند محیط زیست را مطابق با نیازهای خود مهار کنند و سدها بخشی از این میراث ناپایدار هستند؛ اکنون اگر مافیای سدسازی اجازه دهد نابودی و حذف این سازه‌های دردسرساز می‌تواند بخش مهمی از دستکاری بشر در محیط زندگی آن را رفع کند.

به گزارش تحریریه، جهان پس از نهضت سدسازی که در قرن بیستم گرفتار آن شده بود اکنون به این نتیجه رسیده است که داشتن نگاه کوتاه مدت و کسب سود مقطعی باعث خسارت‌های بسیار فراوانی برای محیط زیست و انسان می‌شود به گونه‌ای که کیفیت و حتی امکان زندگی بشر را هم تهدید می کند.

در طول قرن پیشین به ویژه در دهه پایانی آن به تدریج افراد آگاه و دلسوز در کشورها دریافتند که بستن مسیر رودها یا تغییر جریان رودخانه‌ها ارزش آن را ندارد که برای روشنایی برق تولید کرد یا به فکر کسب سود حاصل از کشاورزی مکانیزه و برنامه ریزی شده آن بود، بلکه باید اقدامی انجام داد تا این منافع در چارچوب مسیر طبیعی خود روخانه باید پیگیری و تأمین شود.

ضرورت نهضت تخریب سدها

مشاهده اثرات زیست محیطی سدها بر زندگی انسان‌ها و حیوان‌ها و حتی وقوع تغییرات طبیعی در جوامع، تصمیم گیران را در حدود سه دهه اخیر بر آن داشت اقدام واقعی را از مخرب‌ترین سدها شروع و آن‌ها را حذف کنند. در برخی موارد که نابودی سدها امکانپذیر نبود نیز تا حد امکان کوشش شد آن‌ها را با محیط زیست سازگار سازند.

در سال ۲۰۲۱ پنجاه و هفت سد در آمریکا محو شدند و این اقدام دوستداران محیط زیست در نهایت موجب شد تا ۲۱۳۰ مایل رودخانه بار دیگر به یکدیگر وصل شوند

ایالات متحده در سرتاسر سرزمین خود بیش از ۹۱ هزار سد دارد و با وجود پیشرفت‌های عظیم تکنولوزیکی و توانایی‌ها در ساخت و ساز، قبل از بقیه کشورها دریافت که باید زندگی را با روند طبیعی و جریان آب هماهنگ کند. به همین دلیل مقام‌های ایالتی در آمریکا از سال ۱۹۱۲ به تدریج تلاش کردند تا این موانع دست ساز بشر را از مسیر رودخانه‌ها حذف کند. از سال ۱۹۱۲ تاکنون بیشتر از ۱۷۰۰ سد در این کشور تخریب شدند که بیشتر این اقدام با هدف حفظ محیط زیست انجام گرفت.

از دهه پایانی قرن بیستم و با قدرت گرفتن احزاب سبز، این روند تشدید شد به گونه‌ای که بین ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ حدود ۹۰۰ سد در آمریکا به دست انسان‌ها خراب و برداشته شدند. در این دوره به صورت میانگین هر سال بین ۵۰ تا ۶۰ سد از جغرافیای آمریکا حذف شدند. بیشتر از ۱۰۰ مورد از سدهای حذف شده در ایالت کالیفورنیا تخریب شدند.

طبق آمار سایت American Rivers در سال ۲۰۲۰ حدود ۷۰ سد در ایالت‌های مختلف آمریکا تخریب شدند و این عدد در سال ۲۰۲۱ پنجاه و هفت سد اعلام شد. این اقدام دوستداران محیط زیست در نهایت موجب شد تا ۲۱۳۰ مایل رودخانه بار دیگر به یکدیگر وصل شوند.

تخریب سدها، مفید اما دیرهنگام

تارنمای معتبر و شناخته شده موسسه «نشنال جیاگرافیک» این تصمیم آمریکا در زمینه تخریب سدها را اقدامی مفید دانست که دیر و با سرعت کم انجام می‌شود. طبق بررسی‌های این اندیشکده از مجموع ۹۱ هزار سد آمریکا یک ششم آن‌ها دارای ظرفیت‌های عمیق تخریب محیط زیست هستند. درواقع ادامه فعالیت بیش از ۱۵ هزار سد آمریکا باعث ضررهای اقتصادی برای این کشور می‌شود. تعمیر و به روزرسانی سدهای امریکا حدود ۷۰ میلیارد دلار هزینه نیاز دارند ضمن آنکه بیشتر از ۷۰۰ سد در این کشور به صورت انحصاری در مالکیت پنتاگون قرار دارند. نکته فاجعه بار این است که بیشتر از ۸ هزار سد در آمریکا عمری بیشتر از ۹۰ سال دارند و برخی از آن‌ها اکنون نزدیک محیط‌های شهری قرار گرفته‌اند که تخریبشان تهدیدهای زیادی را به همراه دارد. البته قاره سبز نیز به اهمیت نابودی سدها برای حفظ جان بشر و محیط زیست پی برده است و طبق گزارش رسانه‌ها در سال ۲۰۲۱ نزدیک به ۲۴۰ سد در اروپا از مسیر رودخانه‌ها برداشته شدند. اتحادیه اروپا این هدف را تعیین کرده است که با رفع موانع و سدهای ساخته دست بشر اجازه دهد حداقل ۲۵۰۰۰ کیلومتر رودخانه را تا سال ۲۰۳۰ دوباره جریان پیشین خود را داشته باشد. به نظر می‌رسد تاکنون اروپا به این هدف متعهد بوده است.

بسیاری از سدها در جهان و از جمله در ایالات متحده با در نظر گرفتن تحلیل‌های زیست محیطی نوین و روندهای مدرن یا با نگاه به آینده طراحی نشده‌اند. به نوشته، نشنال جیاگرافیک در برخی مناطق آمریکا تعداد زیاد سدها شکل دیگری از بی نظمی طبیعی را به همراه داشته است به گونه‌ای که موجب افزایش ۳۰ درصدی بارندگی و تخریب محیط زیست با وقوع سیلاب‌های شدید شده است.

برای قرن‌ها، انسان‌ها تلاش کرده‌اند تا محیط زیست را مطابق با نیازهای خود مهار کنند و سدها بخشی از این میراث ناپایدار هستند. انسان‌ها از مزایای این سیستم‌های دست ساز خود بهره مند شده‌اند و اکنون باید با خطرات آنها مقابله کنند. یک کارشناس محیط زیست و متخصص سدها می گوید ما بارها و بارها اثرات مخرب و خطرات پروژه سدسازی را دیده‌ایم اما برای ما چندان اهمیتی ندارد فقط نکته مهم برای ما این است که ببینیم چه زمانی این سیاست با سرعت به سمت شکست و نابودی ما را پیش می‌برد.

عکس خبر

آتش سوزی جنگلی در جزیره لسبوس یونان موجب اعلام عمومی مقامات دولتی برای ترک مناطق مسکونی در این جزیره توریستی شده است.

منبع: فرارو

یادداشت

اصلی‌ترین نقاط ضعف حوزه درمان کجاست وراه برون رفت چیست؟

پایبندی به برنامه ریزی و فرهنگ سازی

پوریا عادلی
استراتژیست حوزه سلامت

بدون شک بیماری از لحاظ اقتصادی با لطمات سنگین به پیکره اقتصاد فرد و اجتماع همراه است. افراد واجتماع درصورت گریبان شدن با بیماری‌های مزمن و صعب العلاج در کنار هزینه های درمانی به علت عدم امکان ادامه فعالیت‌های اقتصادی مؤثر با مشکلات زیادی مواجه خواهند بود که این مشکلات علاوه برخود فرد بیمار و خانواده او، بر روی کلیت اقتصاد کلان کشور اثرات نامطلوبی خواهد داشت. دراکثر کشورهای درحال توسعه اصولاً بهداشت و درمانی وجود نداشته و طبقه متوسط و ضعیف جامعه از حداقل‌های درمان برخوردار هستند و طبقه الیگارشی جامعه نیزهرگاه به درمان نیاز پیدا کنند جهت درمان خود و خانواده باهزینه های کلان رهسپار کشورهای پیشرفته می‌شوند. کشورما به مدد روحیه خود باوری که توسط افکار امام راحل و حمایت‌های مقام معظم رهبری به آن دمیده شده و جذب جوانان نخبه در دانشگاه‌های علوم پزشکی در وضعیتی متفاوت باسایر کشورها از نظر خدمات بهداشتی ودرمانی وسطح کیفیت خدمات درمانی ارائه شده به سر می‌برد و سطح خدمات ارائه شده در کشور را می‌توان بابالاترین استانداردهای جهانی مطابق دانست. اگرچه دردهه گذشته با استیلای برخی تفکرات بر سیاست‌ها بهداشت ودرمان کشورشاهد کاهش رشد سرعت پیشرفت وگاهی عقب گردهایی دربرخی عرصه‌ها بودیم ولی همچنان سطح خدمات ارائه شده درکشور درحد قابل قبول استانداردهای جهانی است. رشد بهداشت و درمان کشور بدون رشد متوازن صنعت بیمه‌ای کشور عامل اصلی عدم کارآمدی سیستم بهداشتی و درمانی کشورما محسوب شده ومنجر به این موضوع گردیده که امکان بهره مندی از این امکانات برای اقشار آسیب پذیر جامعه فراهم نگردد. درکلیه برنامه‌های ارائه شده درسالهای اخیرهم به جای متناسب سازی صنعت بیمه کشور با سطح خدمات بهداشتی درمانی ارائه شده درکشور به دنبال محدودسازی و کاهش سطح خدمات ارائه شده بوده‌ایم. آن چیزی که امروز مهم واساسی است اینکه راه اصلاح مشکلات ساختاری کشور ازتحول درسازمان های بیمه گر وصنعت بیمه عبور کرده واین صنعت بیمه است که باید خودرا با ظرفیت‌های بهداشتی و درمانی کشور همراه و هماهنگ نماید. بدون شک درسالهای اخیر افزایش طول عمرجامعه ایرانی درکنار تحریم‌های ظالمانه خارجی منجربه کاهش منابع موجود دولت و سازمان‌های بیمه گرشده است و اختصاص این منابع محدود به هزینه‌های نامحدود درمان بعضاً ناممکن می‌نماید. اما راهکار حل این مشکل چیست آیا می‌توان باکاهش دستوری مخارج حوزه درمان باحفظ کیفیت درمان این منابع را مدیریت کرد؟ به طور قطع پاسخ به این سؤال منفی است. تنها راه حل مشکلات حوزه درمان ضمن اصلاح اساسی درساختار مدیریتی و تخصیص منابع بیمه‌های پایه استفاده از سازمان‌های بیمه خصوصی و نیمه دولتی برای ارائه بسته‌های بیمه تکمیلی درمان گروهی است که می‌تواند درموقع بیماری و از کارافتادگی مانع کاهش سطح اقتصادی فرد وجامعه گردد. استفاده از بسته‌های بیمه تکمیلی درمان گروهی تجربه‌ای آزموده شده دربسیاری ازکشورهای جهان است که به خوبی می‌تواند با توجه به ساختار درمانی کشور مورد استفاده قرار گیرد.

شاید درنگاه اول این سؤال به ذهن مخاطبین متبادر شود که این بسته‌های تکمیلی درمان تنها برای طبقه متوسط به بالاتر جامعه کاربرد داشته وباعث عدم عدالت درمان درسطوح پایین ترجامعه می‌شود. پاسخ به این سؤال دردوبخش خواهد بود: اول اینکه به هرحال مابین دوانتخاب قرارداریم یک انتخاب نابودی کیفیت خدمات درمانی کشور و رهسپارشدن تمام آحاد جامعه از فقیر و غنی با هزینه‌های کمرشکن به خارج ازکشور وراه دیگرحفظ و ارتقا این مزیت بالقوه کشور درعرصه بهداشت ودرمان کشور است.

ولی راهکار ایجاد عدالت درمان دراین سیستم درمانی و بهره مندی اقشار مختلف جامعه ازخدمات بسته‌های بیمه تکمیلی درمان گروهی چیست؟

۱– فرهنگ سازی صحیح برای قشرمتوسط جامعه درمورد این موضوع که درتمام دنیا افراد جامعه قسمت عمده‌ای ازدرآمد خودرا صرف خرید بیمه می کند تا به موقع ازخدمات آن استفاده کنند و اینکه خرید یک بیمه درمانی قوی، بسیار مهم ترازخرید بسیاری کالاهای لوکس و سفرهای تفریحی غیرضروری سالیانه به خارج کشور است. بدون شک رسانه ملی نقش بسیارمهمی درایفای این نقش و ایجاد این فرهنگ خواهد داشت.

۲– اختصاص منابع ناشی از قطع ارزترجیهی وسایر صرفه جویی‌ها درنظام عریض وطویل اداری بیمه‌ها وبخش دولتی درمان برای خرید بسته‌های تکمیلی بیمه درمان برای قشر آسیب پذیر جامعه ازطریق تزریق این منابع به نهادهایی همچون کمیته امداد امام وسایرنهادهای مشابه.

۳– ملزم کردن کارفرمایان بخش‌های مختلف خصوصی و دولتی به خرید این بسته‌های تکمیلی درمان برای کارمندان و کارگران تحت پوشش خود بامشارکت و پرداختن سهمی از حق بیمه تکمیلی ازطرف فرد بیمه شونده.